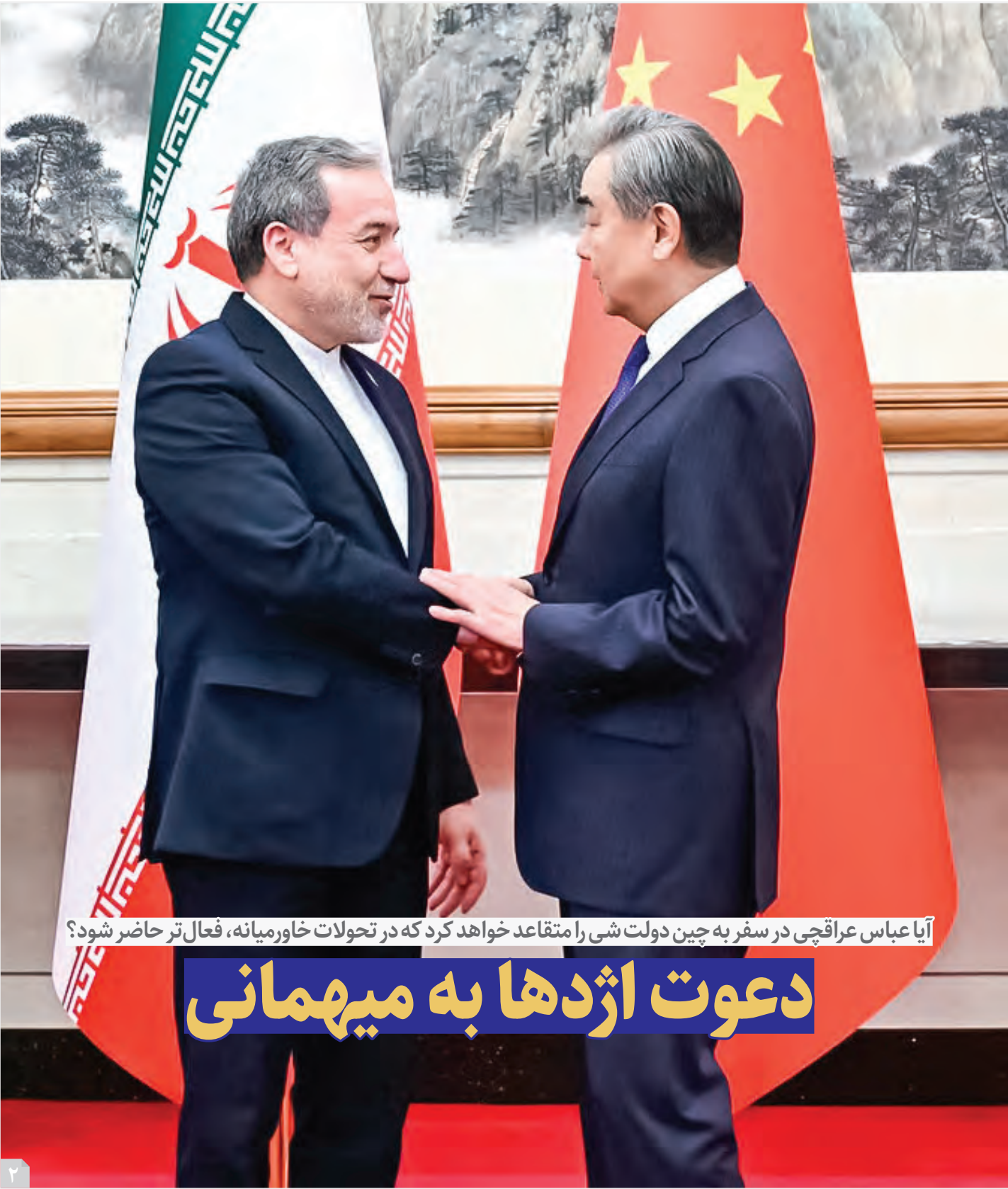




آیا عباس عراقچی در سفر به چین دولت شی را متقاعد خواهد کرد که در تحولات خاورمیانه، فعال‌تر حاضر شود؟

دعوت از زدها به میهمانی



چشم‌انداز تاریخی رفتار دولت اتریش
با رئیس سازمان انرژی اتمی ایران

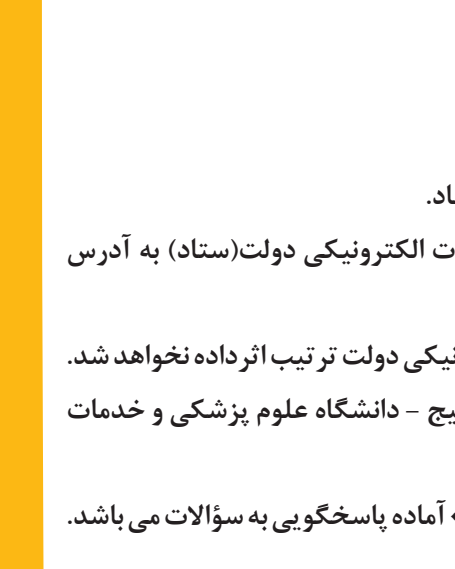
تکرار الگوهای کپک‌زده!

طی هفته گذشته دولت اتریش؛ کشوری که میزبان مقر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است، در اقدامی بسیار ناامیدکننده، اجازه شرکت رئیس سازمان انرژی اتمی ایران را در کنفرانس عمومی آژانس نداد...



پس از پیشروی های یمن و افزایش فشار بر عربستان، واشنگتن که از ورود مستقیم به جبهه تازه پرهیز کرده بود، در مسقط با نمایندگان انصارالله دیدار کرد

آمریکا پای میز انصارالله



آگهی مناقصه تهیه ، حمل ،نصب ،
نصب و راه اندازی مخزن های
آیس بانک سازمان عمران و
نگهداری حرم مطهر رضوی
شرح در صفحه ۸

آقای محمدرضا خواجه پور دارای شماره ملی ۰۷۰۰۲۲۵۵۴۴ صادره از تربت حیدریه متولد ۱۳۳۹/۱۰/۱۱ فرزند محمد اسماعیل اظهار میدارد که دانشنامه پایان تحصیلات مقطع کارشناسی پیوسته رشته شیمی ایشان مفقود شده است .لذا به موجب این آگهی دانشنامه مذکور ابطال میشود . ازبازنده تقاضا میشود مدرک فوق را از طریق پست به نشانی مشهد پردیس دانشگاه فردوسی مشهد ، مدیریت امور آموزشی ، اتاق ۱۱۳ ارسال ویا درصورت امکان تحویل نمایند . مدیریت آموزشی دانشگاه فردوسی مشهد

آگهی تجدید مزایده مزارعه کاری در سطح ۲۰۰ هکتار آبی و دیم
شرکت بذر و نهال آستان قدس رضوی در نظر دارد جهت مزارعه کاری اراضی تحت اختیار این شرکت در شهرستان فاروج (به صورت آبی و دیم) در سطح ۲۰۰ هکتار را از طریق مزایده (تجدید) اقدام نماید. لذا بدینوسیله از افراد واجد شرایط دعوت میگردد جهت دریافت اسناد مزایده به سایت www.epf.ir قسمت مزایده - مناقصات مراجعه نمایند. آخرین مهلت ارائه پیشنهادات ساعت ۱۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۵ می باشد. ضمنا در صورت نیاز به دریافت اطلاعات از طریق شماره ۰۵۱۳۷۶۰۷۵۸۲ ارتباط برقرار نمایید.

منطقه یک

آگهی مناقصه تهیه ، تحویل ،نصب وراه اندازی ۳ دستگاه هوارسان و ۷ دستگاه اگزاست فن سازمان عمران و نگهداری حرم مطهر رضوی
شرح در صفحه ۸

منطقه یک

آگهی مناقصه تهیه و تحویل ۲۴ آتیم تجهیزات کنترلی سازمان عمران و نگهداری حرم مطهر رضوی
شرح در صفحه ۸

منطقه یک

آگهی مناقصه عمومی تک مرحله ای احداث مخزن بتنی ذخیره آب ۱۲۰ متر مکعبی پارک کوچه ۵۶ امامشهر و ۲۰۰ متر مکعبی پارک انتهایی کوچه شرق

موضوع مناقصه: احداث مخزن بتنی ذخیره آب ۱۲۰ متر مکعبی پارک کوچه ۵۶ امامشهر و ۲۰۰ متر مکعبی پارک انتهایی کوچه شرق

مبلغ و نوع سپرده شرکت در مناقصه: مبلغ ضمانت شرکت در مناقصه به میزان ۱،۷۱۷،۳۰۰،۰۰۰ ریال می باشد که می تواند به صورت واریز وجه نقد به حساب ۲۰۵۲۱۴۶۷۲۳ بانک تجارت به نام حساب رابط سپرده پیمانکاران منطقه یک شهرداری و یا به صورت ضمانت-نامه بانکی معتبر و یا اوراق مشارکت بی نام باشد.

مبلغ و نوع سپرده انجام تعهدات: مبلغ ضمانت انجام تعهدات در هنگام عقد قرارداد معادل ۵ درصد مبلغ قرارداد می باشد.

پیش پرداخت: به این پیمان پیش پرداخت تعلق نمی گیرد.

نحوه تأمین اعتبار پروژه: پروژه از محل بودجه سال ۱۴۰۵ منطقه یک شهرداری یزد تأمین اعتبار می شود.

مهلت خرید و تحویل اسناد: زمان دانلود اسناد از تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۵ به مدت ۴ روز کاری می باشد.

حداکثر تاریخ ثبت پیشنهادات در سامانه ستاد تا ساعت ۱۹ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۷ می باشد و تمامی پیشنهادات در ساعت ۰۸:۳۰ صبح

منطقه یک

آگهی مزایده عمومی (تهاتر الکترو پمپ های شناور)

شرکت آب و فاضلاب استان خراسان شمالی در نظر دارد الکتروپمپ های شناور مستعمل را به صورت تهاتری را از طریق مزایده عمومی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (WWW.SETADIRAN.IR) بفروش برساند لذا متقاضیان می توانند جهت اخذ اسناد مربوطه از طریق سامانه فوق اقدام نمایند. ضمناً سایر توضیحات تکمیلی (مهلت زمانی دریافت اسناد، ارائه پیشنهادات، زمان و مکان شروع بازگشایی قیمت) و شرح کار در اسناد اعلام شده است که لازم است مزایده گران از طریق سامانه فوق الذکر اخذ و اقدام نمایند. ضمناً هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مزایده می باشد. تلفن: ۰۵۸۳۲۲۴۹۱۳-۵

زمان بازدید: زمان بازدید از مورخه ۱۴۰۵/۰۶/۲۸ الی ۱۴۰۵/۰۷/۱۴ تا ساعت ۱۸ الی ۱۲ واقع در شهرستانهای استان خراسان شمالی می باشد.

ردیف	عنوان مزایده	واحد	تعداد کل در سطح استان	مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار (ریال)
۱	الکترو پمپ های شناور مستعمل واقع در سطح استان خراسان شمالی (یجنورد-شیروان-اسفراین-مانه و سملقان-فاروج-گرمه و جاجریم-راز و جرجلان)	دستگاه	۵۰۲	۵،۷۱۰،۷۶۸،۰۰۰

روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب استان خراسان شمالی

منطقه یک

آگهی مناقصه ۱۴۰۵/م/۲۳

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران در نظر دارد

از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت نسبت به انجام مناقصه واگذاری امور مربوط به تهیه مواد ، آماده سازی، طبخ و توزیع غذای دانش‌جویان برای سلف سرویس های مجتمع دانشگاهی پیامبر اعظم (ص) (زیتون) و دانشکده پرستاری و مامایی نسیمیه ساری، دانشکده دندانپزشکی ساری و دانشکده پرستاری و پیراپزشکی آمل و دانشکده پرستاری بهشهر، خوابگاههای دانشجویی در سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۶ از طریق بخش غیر دولتی اقدام نماید. از متقاضیان واجد شرایط جهت دریافت اسناد و تحویل پیشنهاد طبق برنامه زمان بندی ذیل دعوت بعمل می آید.

*مهلت دریافت اسناد :: از تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۸ لغایت ۱۴۰۵/۰۷/۰۱.

*مهلت تحویل پیشنهاد:: تاریخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۱.

*زمان گشایش پیشنهادها:: تاریخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۲.

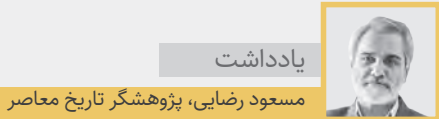
* مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار:: به شرح مندرج در اسناد.

* محل دریافت اسناد و تحویل پیشنهادات:: سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR.

در ضمن به پیشنهاد های واصله خارج از درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ترتیب اثر داده نخواهد شد.

نشانی: ساری- میدان امام (ره)- سه راه جویبار- ابتدای بزرگراه بسیج - دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران- کد پستی: ۴۸۱۵۷۳۳۹۷۱

* اداره مناقصات و قراردادهای دانشگاه با شماره تلفن ۰۳۳۰۴۴۱۰۹-۰۱۱ آماده پاسخگویی به سؤالات می باشد.



«میدان» رقم زدن آینده ایران

در حالی که دشمن خبیث غرق در توهمات، پس از تحمیل فتنه‌ها و دو جنگ گسترده، تصور داشت که مردم ایران با او همراه شده و به خیال پاتلش برای تضعیف و سرنگونی نظام اقدام خواهند کرد، آنچه در واقعیت رقم خورد، این بود که ملت، یکصدا و با اراده و انگیزه قوی به دفاع از کشور پرداخت و تجمعات میدانی به عنوان پدیده‌ای نو در دنیای معاصر، نماد چنین ایستادگی و رستاخیزی است. در سده‌های گذشته و به‌ویژه ۱۰۰سال اخیر که جهان جنگ‌ها با دامنه و پهنای مختلف را از سر گذرانده، این بی‌سابقه است که مردمی در زمانی که نبرد تمام‌عیار در جریان بوده و در زیر موشکباران و خطرات جانی، گرد هم آمده و تجمعات، نه یک روز و چند هفته بلکه ماه‌ها به‌طول انجامد؛ آن هم هر شب و به صورت پیگیرانه و دنباله‌دار. این صحنه‌ای بی‌نظیر در تاریخ معاصر ماست که به الگو و نشانه‌ای برای افتخار آیندگان تبدیل خواهد شد. مردم ما نشان دادند بی‌نظیر هستند و این ترجمان عینی سخن رهبر شهید ماست که فرمودند: «به توفیق الهی اگر چنانچه حادثه‌ای برای کشور پیش بیاید، خدای متعال این مردم را مبعوث خواهد کرد برای مقابله با حوادث و کار را مردم تمام خواهند کرد».

اکنون ما شاهد هستیم اجتماعات خودجوش شهروندان در میدان و کوی و برزن به عنوان یکی از مهم‌ترین جلوه‌های کنش جمعی و نماد تاب‌آوری و همبستگی ملی، با قدرت و قوت به مدت ۲۰۰روز برقرار است. مردم همچنان اعلام آمادگی کرده‌اند تا هر زمان که لازم باشد و رهبر معظم انقلاب صلاح بدانند، برای بیان حمایت از نظام و نیروهای مسلح و مقابله با فتنه و توطئه بیگانگان در خیابان مانده و گوش به فرمان آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای هستند.

ثبت چنین برگ زرینی در دفتر تاریخ، کار بزرگ ملت شجاع ایران است که در یاده‌ها خواهد ماند و در این شکی نیست نسل‌های آینده هنگامی که این فداکاری و از خودگذشتگی را ببینند و بخوانند، به نیاکان خود و نسلی که دوران پرافتخاری را رقم زد می‌بالند و افتخار خواهند کرد. جهان هم ما را به عنوان ملتی خواهد شناخت که اگرچه جنگ‌طلب نیست ولی در دفاع از کشور و آرمان‌های خود، ثابت قدم بوده و هیچ‌کس نمی‌تواند اراده ملی و اسلامی آن‌ها را تضعیف کرده و یا درهم بشکند و این تضمین امنیت پایدار ایران عزیز است که ملت ما در میدان رقم می‌زند.

خبر

سرلشکر رضایی:

ملت ایران اجازه نداد تاریخ اشغال و مداخله خارجی تکرار شود



نماینده رهبر معظم انقلاب در شورای عالی امنیت ملی و دبیر شورای عالی امنیت ملی به مناسبت دویستمین روز حضور تاریخ‌ساز ملت مبعوث شده ایران در سنگر خیابان، در پیامی نوشت: این دویست روز، تنها پاسخ به یک تهاجم نبود؛ بلکه فرصتی تاریخی برای ترمیم بخشی از زخم‌هایی بود که در حافظه دورن گذشته ایران باقی مانده است. به گزارش ایسنا، در پیام سرلشکر محسن رضایی، نماینده رهبر معظم انقلاب در شورای عالی امنیت ملی و دبیر شورای عالی امنیت ملی آمده است: در این دویست روز، مردم ایران نشان دادند که در برابر تهاجم خارجی، تمام وجودشان ایران است. شما با حضور، صبر و ایستادگی خود، نه‌تنها از تمامیت ارضی و استقلال کشور دفاع کردید، بلکه همچون دوران هشت سال دفاع مقدس به مهم‌ترین ستون قدرت ملی و بازدارندگی ایران تبدیل شدید. دشمنی که می‌خواست با فشار نظامی، اراده ملت ایران را در هم بشکند، اکنون در برابر اراده شما زانو زده است.

وی در پیام خود ادامه داده است: شما، ملت شکست‌ناپذیر و قهرمان ایران، بارها دوگانه‌های موهوم را درهم شکستید و انسجام مثال‌زدنی خویش را به رخ جهانیان کشیده‌اید. امروز نیز بار دیگر، مهر بطлан بر دوگانه‌های موهوم خواهد زد.

سرلشکر رضایی افزود: این دویست روز، تنها پاسخ به یک تهاجم نبود؛ بلکه فرصتی تاریخی برای ترمیم بخشی از زخم‌هایی بود که در حافظه دو قرن گذشته ایران باقی مانده است. ملتی که در گذشته بارها شاهد اشغال سرزمین و تحمیل اراده بیگانگان بود، این بار نشان داد که اجازه نخواهد داد آن تاریخ دوباره تکرار شود.

در ادامه این پیام آمده است: امروز مهم‌ترین امنیت ملی ایران، در کنار قدرت نظامی و ظرفیت‌های اقتصادی و دیپلماتیک، ملتی است که در لحظه خطر، به چیزی جز مہین نمی‌اندیشد. وظیفه همه ماست که این سرمایه ملی را حفظ کنیم، تقویت کنیم و به پشتوانه‌ای پایدار برای امنیت، استقلال و اقتدار ایران تبدیل کنیم.

مهدی خالدي دیروز در گزارشی درخصوص سفر وزیر خارجه به چین، با اشاره به این گزاره با اهمیت، یعنی رایزنی‌های سیاسی دو جانبه شکل گرفته در حاشیه اجلاس شانگهای و بریکس و ادامه فرایند در پکن، که می‌تواند به هم‌افزایی و اشتراک نظر دو پایتخت بینجامد، از ورود آرام ازدهای زرد به مناقشه منطقه‌ای در غرب آسیا نوشتیم؛ تحلیلی که گفته‌های وانگ یی در دیدار با عراقچی به نوعی مُهر تأییدی بر آن بود. طبق گزارش رویترز، وزیر خارجه چین در ملاقات با همتای ایرانی ضمن «تأکید بر سیاست همیشگی پکن در حمایت از جمهوری اسلامی»، «از تهران و واشنگتن خواسته خویشتن‌داری نشان داده و با بازگشت به تفاهم‌نامه اسلام آباد، مذاکرات جدی را از سر بگیرند». مطالبه از طرف‌های درگیر برای فعال‌سازی سازوکار مذاکره، بازگشایی هر چه سریع‌تر تنگه هرمز با هدف ثبات انتقال انرژی و زنجیره‌های تأمین جهانی، استقبال از گفت‌وگوی ایران و کشورهای خلیج فارس و همچنین تأکید بر اینکه پکن نمی‌خواهد تنش‌ها بیش از این به یمن و دریای سرخ گسترش پیدا کند، از دیگر موارد مورد اشاره مقام چینی بود. وانگ یی پیش‌تر و در حاشیه نشست بریکس در هند، با عراقچی رایزنی داشت. با این حال ملاقات ناگهانی اخیر که یک هفته پیش از نشست مورد انتظار شی جین‌پینگ و دونالد ترامپ، رؤسای جمهور چین و آمریکا در واشنگتن انجام شد، به‌طور ویژه مورد توجه ناظران سیاسی قرار گرفته است. برخی رسانه‌ها مانند رویترز مسائل مربوط به ایران و روابط مالی با چین را یکی از محورهای پینگ و ترامپ می‌دانند، اما همان‌گونه که گفته شد، عده‌ای دیگر حضور عراقچی در پکن را پرده‌ای از مداخله و فعال شدن جدی‌تر ازدهای زرد در مناقشه‌ای می‌دانند که با منافع آن گره خورده است. چنین گزاره‌ای چقدر به واقعیت نزدیک بوده و آیا این وضعیت به نفع ایران است؟

■ میزان خطر پذیری پکن مشخص نیست

سفیر پیشین ایران در چین، اگرچه اصل ورود چین به تحولات غرب آسیا تحت شرایطی را بعید نمی‌داند ولی انرژی‌داری چنین روند و وساطتی را در کوتاه‌مدت با توجه به ابعاد پیچیده درگیری در خلیج فارس بعید می‌داند.

جواد منصوری می‌گوید: وقایعی که در منطقه جریان دارد، فقط پیرامون منازعه میان ایران و آمریکا نیست که با یک

روزشمار جنگ | روز دویست و یکم

پس از پیشروی‌های یمن و افزایش فشار بر عربستان، واشنگتن که از ورود مستقیم به جبهه تازه پرهیز کرده بود، در مسقط با نمایندگان انصارالله دیدار کرد

گروه سیاسی | روز گذشته رویترز به نقل از پنج منبع گزارش داد دولت عمان در سازماندهی ملاقات میان نمایندگان آمریکا و انصارالله یمن در سفارت آمریکا در مسقط، نقش داشته است. این دیدار تنها چند روز پس از پیشروی گسترده انصارالله در ساحل دریای سرخ و تصرف نقاط راهبردی نزدیک باب‌المندب انجام شد.

اهمیت خبر در توالی اتفاق‌هاست. محمد بن سلمان از واشنگتن خواسته بود برای مقابله با پیشروی انصارالله مستقیماً وارد عمل شود؛ آمریکا این درخواست را نپذیرفت و حمایت خود را به همکاری اطلاعاتی و هدف‌یابی محدود کرد. اکنون مشخص شده که واشنگتن هم‌زمان یک مسیر دیگر را نیز فعال کرده و با همان گروهی که عربستان خواهان حمله آمریکا به آن بود مذاکره مستقیم کرده است.

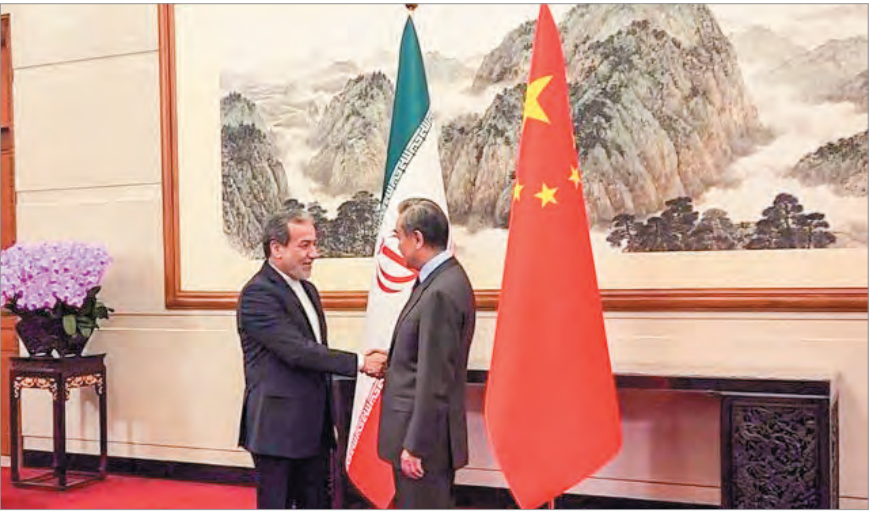
■ اول فشار، بعد مذاکره

دیدار مسقط در خلأ اتفاقی نیست.د. پیشروی انصارالله در امتداد ساحل دریای سرخ موقعیت این گروه را در باب‌المندب تقویت و یک مشکل تازه برای آمریکا و عربستان ایجاد کرده است. رویترز پیش‌تر این وضعیت را «مخمصه تازه» برای واشنگتن توصیف کرده بود. ورود مستقیم آمریکا به یمن می‌تواند منابع بیشتری را در شرایط جنگ با ایران درگیر کند. اما بی‌عملی نیز فشار بر عربستان و مسیرهای تجارت جهانی را افزایش می‌دهد. هم‌زمان، فشار به داخل عربستان منتقل شده است. انصارالله امروز مدعی حمله موشکی و پهپادی به تأسیسات نفتی یمن و پایگاه خمیس مشیط شد؛ ریاض تا زمان انتشار گزارش این ادعاها را تأیید نکرده بود. نمی‌توان با قطعیت گفت فشار نظامی «آمریکا را مجبور» به مذاکره کرده است؛ اما می‌توان گفت افزایش هزینه تقابل، مذاکره را دوباره به یکی

آیا عباس عراقچی در سفر به چین

دولت شی را متقاعد خواهد کرد که در تحولات خاورمیانه، فعال‌تر حاضر شود؟

دعوت ازدها به میهمانی



میانجی‌گری بتوان آن را حل و فصل کرد. شرایط از خلیج فارس گرفته تا دریای سرخ و مدیترانه زاینده مجموعه‌ای از روندهاست که به مسائل و چالش‌های پر دامنه امروزین انجامیده و گره‌گشایی از آن به این سادگی‌ها نیست.

وی می‌افزاید: به‌طور نمونه طرف غربی جنگ با ما فقط ایالات متحده نیست بلکه مجموعه کشورهای اروپایی، کانادا و... در این‌بازل نقش‌آفرینی می‌کنند. همین اتحاد بود که توانستند با ادعای دروغ، پرورنده هسته‌ای ایران را دوباره از شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت سازمان ملل ببرند. به این روند چالش با شیوخ عرب را باید افزود که امروز به یمن کشیده شده است. حتی جنگ روسیه و اوکراین به قضایای منطقه بی‌ارتباط نیست و آن نیز گوشه‌ای از



مناقشه است. از سوی رژیم صهیونیستی امروز یک بازیگر مخرب خودسر و فعال بیرونی است. با این شرایط حتی اگر تهران و واشنگتن هم بخواهند به تفاهم و مصالحه برسند، باز مایک عامل خارجی یعنی اسرائیل را داریم که بر هم‌زننده هر روند دیپلماتیکی است. سفیر پیشین ایران در چین با بیان اینکه به شخصه نمی‌دانم چین در این قضیه چقدر حاضر است ریسک کرده و فعلاً نه وارد گود شود، عنوان می‌کند: پکن در خلیج فارس و مناسبات با کشورهای عربی منفعت دارد و این ورود به مناقشه، منافع ملی‌اش را تقویت می‌کند، اگرچه ممکن است اقداماتش در نهایت به تفاهمی بر سر خلیج فارس برسد، و با این حال حل‌ریشه‌ای مسئله، به این زودی‌ها ممکن نیست؛ چرا که ما چالش چندبعدی داریم؛ باز یگری مخرب صهیونیست‌ها را داریم، آمریکا که حاضر نخواهد بود به این

از گزینه‌های واشنگتن تبدیل کرده است.

■ واشنگتن جبهه تازه نمی‌خواهد

گزارش نشست مسقط نشان می‌دهد آمریکا در این مرحله بیشتر به دنبال مهار گسترش جنگ است تا گشودن جبهه‌ای تازه. در این ملاقات، نمایندگان انصارالله گفته‌اند قصد حمله به شناورهای آمریکایی را ندارند و به آتش پس سال ۲۰۲۵ با واشنگتن پایبند خواهند ماند. یک منبع نیز گفته آن‌ها اعلام کرده‌اند کشتی‌های تجاری، به‌جز شناورهای سعودی، هدف قرار نخواهند گرفت. این اظهارات را نباید به معنای کاهش فشار انصارالله تفسیر کرد. حملات علیه عربستان هم‌زمان ادامه داشته است. آنچه در مسقط مورد بحث قرار گرفته، بیشتر تعیین محدوده تقابل بوده است. یعنی ادامه فشار بر ریاض، بدون تبدیل جنگ یمن به رویارویی مستقیم تازه با آمریکا.

■ تجربه ۲۰۲۵: فشار و سپس توافق

برای فهم اتفاق امروز نیازی به رفتن به تاریخ دور نیست. همین الگوی یک سال پیش نیز دیده شد. آمریکا در سال ۲۰۲۵ برای حدود دو ماه مواضع انصارالله را بمباران کرد تا حملات این گروه به کشتیرانی دریای سرخ را متوقف کند. در نهایت، دو طرف با میانجی‌گری عمان به توافق رسیدند. آمریکا حملات را متوقف کرد و انصارالله نیز متعهد شد کشتی‌های آمریکایی را هدف قرار ندهد. اما این بار واشنگتن پیش از آغاز یک عملیات گسترده تازه، کانال مسقط را فعال کرده است. تجربه قبلی احتمالاً راه به دوطرف نشان داده هزینه نظامی می‌تواند بالا رود، بدون آنکه الزاماً نتیجه سیاسی تعیین‌کننده‌ای ایجاد کند.

راحتی‌ها از تهدید ایران دست بکشند و... بنابراین اگر فرضاً جمهوری اسلامی انعطاف به خرج داده از برخی مواضع خود کوتاه بیاید، اوضاع منطقه برای مدت طولانی پیچیده، سردرگم و بالاتکلیف باقی خواهد ماند.

■ دیپلماسی مثبت اما شرطی شده!

سفیر پیشین ایران در کره جنوبی نیز در گفت‌وگو با قدس، ورود ازدهای زرد در مسیر منافعش به مناقشه منطقه‌ای در غرب آسیا را محتمل دانسته و معتقد است این روند به نفع ایران است به شرط آنکه بتوانیم از موقعیت بهره‌بریم.

فریدون انتظاری درباره روند جاری به چند نکته اشاره دارد: نخست اینکه جمهوری اسلامی اکنون در موضع قدرت بوده و اقدام‌های حساب شده و چارچوب‌دار انصارالله یمن صحنه را به نفع ما برگردانده است، از این رو درخصوص سفر عراقچی باید گفت تهران فعال مایشان نیست بلکه خود تعیین‌کننده و جهت‌دهنده به قواعد بازی در روی زمین است. از هر گونه ورود چین در قامت میانجی قدرتمند به چند دلیل و با چند زمینه باید استقبال کرد: ۱. به ایجاد چارچوب قدرتمند برای اینکه جنگ پایان یابد و تمام شود، ۲. مقوله صلح‌آمیز بودن پرورنده هسته‌ای ایران دوباره تأیید شود و ۳. خسارت جنگ از طرف متجاوز یعنی آمریکا و اعراب متحش مطالبه شود.

وی می‌افزاید: با توجه به این نکات، اتفاق دیپلماتیک گفته‌شده سفری از جنس قدرت و سیاست است و من فکر می‌کنم مفید خواهد بود. ضمن اینکه آمریکایی‌ها به ضرورت وجود یک میانجی که حرفش خریدار داشته باشد پی برده‌اند و چه‌طرفی مهم‌تر از چین، چنین روندی مطلوب است و به اتمام جنگ بر اساس مفاهیمی که مدنظر جمهوری اسلامی است کمک می‌کند. با این حال فرایند احتمالاً به چراع‌سبز و انعطاف‌تهران در برخی حوزه‌ها نیازمند خواهد بود. به‌طور نمونه پکن در ابتدا به‌خاطر حفظ منافعش، احتمالاً کاهش تنش در باب‌المندب و دریای سرخ را به سبب فعال شدن تجارت و حمل و نقل بین‌المللی و تجارت که منافعش درگیر آن است مطالبه خواهد داشت و معلوم نیست ایران چقدر حاضر به کنار آمدن با این مسئله باشد.

■ فشار اقتصادی همچنان فعال است

مذاکره در مسقط به معنای آرام شدن میدان نیست. در باب‌المندب، خبرنگار الجزیره گزارش کرده در ساعاتی که معمولاً لواج تردد است، تقریباً هیچ کشتی تجاری دیده نمی‌شد. تنش یمن همچنین نگرانی درباره صادرات نفت عربستان را افزایش داده است. بازارهای خلیج فارس همچنان تحت تأثیر ریسک منطقه‌ای هستند و حملات به زیرساخت‌های سعودی نگرانی درباره عرضه را زنده نگه داشته است. در واقع، فشار اصلی لزوماً از بستن کامل یک مسیر ایجاد نمی‌شود؛ گاهی همین افزایش ریسک برای بالا بردن هزینه اقتصادی کافی است.

■ از مسقط تا پکن

هم‌زمان یک کانال دیپلماتیک دیگر نیز فعال شده است. عباس عراقچی امروز در پکن با وانگ یی دیدار کرد و وزیر خارجه چین از ایران و آمریکا خواست خویشتن‌داری کنند و مذاکرات را از سر بگیرند. پکن همچنین درباره گسترش بحران به یمن و دریای سرخ ابراز نگرانی کرده است. تصویر روز ۲۵ شهریور در نتیجه متفاوت از چند روز پیش است. میدان همچنان فعال بوده، اما فشار میدان در حال تولید کانال‌های سیاسی است. مسقط شاید روشن‌ترین نمونه باشد. آمریکا حاضر نشد برای متوقف کردن انصارالله وارد جنگ مستقیم شود؛ اما مقام‌هایش پشت میز با نمایندگان همان گروه نشستند و این شاید مهم‌ترین پیام روزهای اخیر باشد: آمریکا، به جای ورود به یک جنگ تازه، پای میز انصارالله نشست است.

فراخبر

این یک بار دیگر ثابت شد. ایران هیچ گاه ادعا نکرده به انصارالله دستور می‌دهد. انصارالله یک بازیگر مستقل اسلامی است که بر اساس منافع و ایدئولوژی خود تصمیم می‌گیرد و در جبهه مقاومت علیه استکبار جهانی می‌جنگد. همان‌طور که سخنگوی وزارت خارجه ما تأکید کرد: انصارالله بازیگری مستقل است که خود تصمیم می‌گیرد، نه از کسی دستور می‌پذیرد و نه نیابتی دیگران است.

■ دوراهی حق و باطل

و اکنون عربستان سعودی در دوراهی تاریخی قرار گرفته است؛ از یک سو، آمریکا، متحد دیرینه، او را در برابر انصارالله تنها گذاشته و از سوی دیگر، پیمان مکه که قرار بود جایگزین حمایت آمریکا باشد، توخالی از آب درآمده است. و در این میان، جبهه مقاومت است که میدان را در دست دارد. انصارالله بر ساحل غربی یمن مسلط شده، باب‌المندب را در کنترل دارد، خط لوله نفت عربستان را از کار انداخته و حتی جزیره پریم، همان جزیره استراتژیک در قلب تنگه را تصرف کرده است.

این یعنی ریاض باید انتخاب کند؛ یا به آمریکا و اسرائیل تکیه کند، همان‌هایی که او را تنها گذاشتند و اکنون به دنبال عادی‌سازی روابط با اسرائیل از طریق معاهده ابراهیم هستند، یا به منطقه و همسایگانش بازگردد و امنیت خود را از طریق گفت‌وگو و همکاری منطقه‌ای تأمین کند.

این دوراهی، دوراهی حق و باطل است و تاریخ نشان داده کسانی که به باطل تکیه کنند، سرانجام در باتلاق باطل فرو خواهند رفت.

واشنگتن ۴۰ هزار بمب ۲ هزار پوندی به تل آویومی فرستد؛ یعنی یک بمب غول پیکر یک تنی به ازای هر ۲۵ کودک فلسطینی

کودک خوارها دندان تیز می کنند



گذشته، ارتش رژیم صهیونیستی بیش از ۲۵۰ هزار فلسطینی را در غزه کشته یا مجروح کرده است که اکثریت قاطع آنان زنان، کودکان و سالخورده‌گان بوده‌اند.

۲۶ درصد از کل منازل مسکونی غزه تخریب شده و از ۳۶ بیمارستان، ۲۴ بیمارستان به طلی از آوار بدل شده‌اند. برای مقایسه، بمباران در دسرد در سال ۱۹۴۵ کم‌رزه به عنوان شایسته جنگی شناخته می‌شود، نه‌تهدیه‌ای از ساختمان‌های بیمارستان‌ها و اورژانس کرد. آنچه در غزه رخ داد، طبق تمام تعاریف حقوقی، یک «نسل‌کشی تمام‌عیار» است و ارسال ۴۰۰ هزار بمب جدید، چیزی جز سوخت‌رسانی به این ماشین کشتار برای ادامه نسل‌کشی در غزه و گسترش آن به لبنان و کل

■ کلاهبرداری بزرگ: بذل و بخشش از جیب مالیات‌دهندگان آمریکایی

۳ میلیارد دلاری را با عنوان «فروش سلاح» بازنمایی کنند، اما کارلسون به درستی دست به افشاگری زده و ماهیت واقعی آن را

(قدس اشغالی) کلید خود؛ سفراتی که مدیریت آن در دست «مایک هانی» صهیونیست مسیحی افراطی و دستیارش «یوید ملستین» (پسر خوانده مارک اوین، مجری تندرو فاکس نیوز) است. از جناح‌ها و وزارت‌ها خارج می‌باشد و اشتیاق کامل توسط «مارکو رومیو» تأیید شده. اکنون ما بهایی برای گسیل این پمپ‌ها، آنتن‌ها به بیابان چهار نماینده‌اش در کنفرانس آمریکا وابسته است؛ سناتور جیم ریش، سناتور جین شاپرین، برایان ماست و گرگوری میکس. هر چهار نفر از نژاد های سرسختی هستند که میلیون‌ها دلار از ایالتی اسرائیلی (۲۰۱۵) بیک دریافت کرده‌اند؛ به‌ویژه برایان ماست که در سال ۲۰۱۵ برای دواطلب شدن در ارتش صهیونیست به زمین‌های اشغالی رفت و در سال ۲۰۲۳ از ارتش نظامی اسرائیل در صحن مجلس نمایندگان آمریکا حاضر شد. ارسال این حجم

■ پشت پرده؛ مثلث سفارت، وزارت خارجه و جنگ طلب‌ها

مسیر تصویب این محموله مگر بار نیز نشان دهنده نفوذ عمیق لابی صهیونیستی در ارکان قدرت و آشنگتن است. درخواست ارسال ۴۰ هزار بمب سنگین ابتدا از سفارت آمریکا در اورشلیم

انتشار لحظه سرنگونی و تصاویر نیروهای یمنی کنار لاشه جنگنده عربستانی، معادلات میدانی را بیش از پیش به نفع انصارالله می‌کند

هم اف-۱۵ آمریکایی دود شد، هم برتری هوایی سعودی!

صنعا نیز کوشیده است از این موفقیت، صرفاً یک دستاورد تبلیغاتی نسازد، بلکه آن را به قاعده‌ای بازدارنده تبدیل کند. هشدار مستقیم به خلبانان سعودی که



مأموریت‌های آینده ممکن است بی‌بازگشت باشد،

در همین چارچوب معنا می یابد. محمد عبدالسلام، رئیس هیئت ملی

گروه بین الملل | در آسمان مارب، لحظه‌ای که موشک پدافندی به جت‌های اف-۱۵ سعودی به‌خورد کرد، تنها لحظه سقوط یک جنگنده ساخت آمریکایت نشد بلکه تصویری از فرو ریختن یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های برتری نظامی ریاض و هم‌پیمانانش شکل گرفت. انتشار فیلم لحظه اصابت و سپس تصاویر رمزندگان انصارالله در کنار لاشه جنگنده، ماجرا را از سطح یک ادعای میدانی فراتر برد و راه‌به‌به‌های تازه‌ای تغییر موازنه جنگ بین تبدیل کرد؛ در خدای که پس از پیشروی‌های نیروهای صنعادر سواحل دریای سرخ، نقطه عطفی دیگر به‌شمار می‌رود.

این تحول در شرایطی رخ داد که بنا بر بیانیه نیروهای مسلح یمن، ائتلاف سعودی طی یک هفته بیش از ۴۵۰ حمله هوایی به استان‌های مختلف انجام داده بود. پاسخ صنعا محدود به خطوط تماس نماند و عمق رهستان را دربرگرفت؛ تأسیسات آرامکو در پنج هدف قرار گرفت و هم‌زمان، پایگاه هوایی خسیس شیط نیز زیر ضربات موشکی قرار گرفت. این حملات نشان داد توان تهاجمی جدید و مرحله واکنش‌های مرزی عبور کرده و به تهدیدی مستقیم علیه شریان‌های انرژی و مراکز نظامی سعودی تبدیل شده‌است.

با این همه، اهمیت اف-۱۵ از جنس دیگری است. عربستان سال‌ها جنگ یمن را با اتکا به تاوگان پیشرفته، مهمات غربی و آزادی عمل نامحدود در آسمان این کشور پیش برده بود. اکنون نمایش لحظه هدف‌گیری جنگنده و عکس‌های گرفته‌شده کنار

لاشه، پیام روشنی دارد: آسمان یمن دیگر محیطی امن و بی‌هزینه برای عملیات سعودی نیست. این تصاویر عملاً امکان انکار یا لاپوشانی شکست را از ریاض گرفته و ادعای برتری مطلق هوایی آن را با پرسشی جدی روبه‌رو کرده است.

ادبیات فرقه گرایانه انجریزه در عراق و سال‌های نخست بحران سوریه است. به اعتقاد او، نحوه پوشش خردادهای ایران، از اخبار مرتبط با مولوی گرگیچ تا حوادث سیستان و بلوچستان می‌تواند در خدمت مفاک کردن گسل‌های قومی و مذهبی باشد. از این منظر، ماجرای مکه نیز حلقه‌ای از روندی است که احتمالاً ادامه خواهد یافت و باید منتظر روایت‌های مهتورانه‌تر و اتهام‌هایی بود که پیش از ارائه سند، مستقیماً احساسات مذهبی را هدف می‌گیرند.

[illegible]

کمی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

بر رای شماره ۴۵۵،۲۳۶۶ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بردسکن تصرفات مالکانه

صورت سند به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس مالکیت متقاضی اعتراض شده باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین گنجی طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم، اعتراض خود را به اداره خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. اگر بعد از مدت اعتراض متذکر و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۳۵۰/۰۶/۲۹

ریج انتشار نوبت اول: ۱۳۵۰/۰۷/۱۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۵۰/۰۶/۲۹

اعراضا گنج بخش - رئیس ثبت اسناد و املاک بردسکن

[illegible][illegible][illegible]

کلید بصره در مشت سنگربانی از تبار آتش

این جاده ادامه دارد



زوم

دعوت مسی به تیم ملی آرژانتین برای آخرین بار

A soccer match scene featuring a player in a red jersey with 'MAHDI 14' on the back, facing a player in a white jersey. A soccer ball is visible in the upper right corner.

در سخت‌ترین گروه هستیم

عبدی درباره عملکرد تیمش در مسابقه افزود: فکر می‌کنم سیستم و سازمان تیمی ما در ابتدا بسیار خوب بود. تلاش کردیم ساختار تیم را حفظ کرده و پس از آن نیز توانستیم شرایط مسابقه را بهتر مدیریت

خبیر

فیروزجا در آستانه کنار گذاشته شدن از تیم ملی فرانسه

استاد بزرگ ایرانی اصل تیم فرانسه برای پنجمین سال متوالی از حضور در تیم ملی این کشور در المپیک جهانی خودداری کرده و فدراسیون شطرنج فرانسه در بیانیه‌ای به این موضوع واکنش نشان داد. علیرضا فیروزجا برای پنجمین سال متوالی از حضور در تیم ملی المپیک جهانی در المپیک جهانی با قهرمانی اروپا خودداری کرده و یکی از فدراسیون شطرنج فرانسه در بیانیه‌ای این طور به این موضوع واکنش نشان داد: «فرانسه که فیروزجا تا مدت‌ها یکی از بازیکنان اصلی تیم بود، به صراحت اعلام کند، او آینده تیم ملی خود را می‌پوشاند».

جواد نوائیان رودسری | طی هفته گذشته دولت اتریش؛ کشوری که میزبان مقر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است، در اقدامی بسیار نامیدکننده، اجازه شرکت رئیس سازمان انرژی اتمی ایران را در کنفرانس عمومی آژانس نداد؛ موضوعی که از نظر قواعد بین‌المللی، نفی تمامی انگاره‌های حقوقی محسوب می‌شد. این نخستین بار نیست که موضوع تعهدات حقوقی در نهاد‌های بین‌المللی، باز یچه منافع قدرت‌های جهانی می‌شود. این یک اصل انکارناپذیر است که قوانین بین‌المللی فقط برای کشورهای ضعیف وضع شده‌اند و در مشی و رفتار قدرت‌های بزرگ که دست بر قضا واضعان این مقررات هستند، تأثیری ندارند. دست‌کم در ۱۲۰ سال گذشته که سازمان‌های بین‌المللی و قوانین مربوط به آن‌ها به تدریج پا گرفته‌اند، همواره شاهد نادیده گرفتن این قوانین از سوی قدرت‌های بزرگ و به ویژه دولت‌های استعمارگر اروپایی و ایالات متحده آمریکا بوده‌ایم. از منظر این قدرت‌ها، قوانین بین‌المللی صرفاً برای کنترل اقدام‌های دولت‌های ضعیف و بزرگ کردن و رسمیت دادن به نقض حقوق بدیهی ملت‌ها کاربرد دارند. در نوشتار پیش روی شما، کوشیده‌ایم با استفاده از شواهد تاریخی، این رویه را مورد بررسی قرار دهیم؛ رویه‌ای که به نظر می‌رسد به روشی مندرس و کپک‌زده تبدیل شده است و به تدریج کارایی خود را از دست می‌دهد.

یک رویه، نه یک استثنا

آنچه اقدام دولت اتریش علیه حقوق و منافع ملت ایران را از یک تصمیم اداری معمولی متمایز می‌کند، نه خودِ ممانعت از ورود رئیس سازمان انرژی اتمی ایران؛ بلکه منطق پشت این اقدام است. سفیر اتریش در آژانس اعلام کرد این کشور درخواست معافیت سفر برای «اسلامی» را به کمیته تحریم‌های شورای امنیت ارائه کرده؛ اما این درخواست «رد شده است». سفیر آمریکا در آژانس نیز به صراحت تأیید کرد که کشورش با این معافیت مخالفت کرده و «به همین دلیل درخواست مورد نظر رد شده است».

این واقع‌ه، در نگاه نخست ممکن است یک اختلاف دیپلماتیک موردی به نظر برسد؛ اما نگاهی به کارنامه چنددهه‌ای قدرت‌های غربی در سازمان‌های بین‌المللی نشان می‌دهد آنچه در وین رخ داد، نه یک استثنا؛ بلکه حلقه‌ای تازه از زنجیره‌ای طولانی است؛ زنجیره‌ای از تعهداتی که امضا و سپس کنار گذاشته‌می شوند، از مجموعه قواعدی که برای دیگران الزام‌آورند و برای خود واضعان، اختیاری؛ ایران تنها قربانی این رویه نیست؛ اما الگوی رفتاری غرب در قبال کشور ما؛ به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، یکی از گویاترین نمونه‌های این دوگانگی ساختاری است.

تعهدهایی که به فوت بند هستند!

برای درک عمق این دوگانگی باید به یکی از مستندترین نمونه‌های نقض تعهدات بین‌المللی در دوران معاصر نگاه کنیم: خروج یک‌جانبه ایالات متحده از «برنامه جامع اقدام مشترک» (برجام). این توافق در سال ۲۰۱۵ میان ایران و گروه ۵+۱ (آمریکا، بریتانیا، فرانسه، روسیه، چین و آلمان) امضا و با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد تثبیت شد.

ایران بر اساس این توافق، برنامه هسته‌ای خود را محدود کرد و پذیرش نظارت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را در دستور کار قرار داد؛ اما در ماه می سال ۲۰۱۸، ترامپ به‌طور یک‌جانبه از این توافق خارج شد. دولت ایران اعلام کرد خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام و بازگرداندن تحریم‌های یک‌جانبه از سوی این کشور، نقض آشکار یک تعهد بین‌المللی و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد است؛ اما هیچ گوش شنوایی برای این اعتراض قانونی وجود نداشت. گویی امضا‌های پای چنین تعهداتی به فوت بند است! آمریکا پس از خروج یک‌جانبه از این تعهدنامه، حتی مدعی بازگشت به سازوکار «اسنپ‌ک» نیز شد؛ ادعایی که البته ایران و سایر اعضای شورای امنیت آن

نگاه

بانی مدرسه «رحیمیه» در سال ۱۲۸۶شمسی چگونه برای نخستین بار به مرمت آرامگاه نادرشاه دست زد، نخستین تالار مطالعه شهر را تأسیس کرد و با جلب اعتماد علما و مردم، نماینده اول آن‌ها در نخستین شورای شهر شد؟

حاجی عبدالرحیم؛ نخستین خَیر مدرسه‌ساز در تاریخ مشهد

جواد نوائیان رودسری | تاریخ مشروطه خواهی در مشهد، به شدت سیاست زده است؛ کمتر پیش می‌آید که عوارض بروز و ظهور مشروطیت در مرکز ایالت خراسان، از بُعد فرهنگی و یا حتی علمی مورد توجه قرار گیرد. معمولاً پژوهشگران ما وقتی به شخصیت‌های این دوره می‌رسند، چشم به جایگاه‌های سیاسی و اجتماعی آن‌ها می‌دوزند و در برابر چنین موضوع جذابی، سبّی می‌اندازند! البته حق هم دارند؛ چون در آن غوغای عجیبی که از حدود سال ۱۲۸۴ش در سرزمین ما به وجود آمد، همه چیز رنگ و بوی سیاسی داشت؛ اما باید یادمان باشد که این گرایش به فعالیت‌های سیاسی، برای مبارزه و براندازی استبداد، تنها بُعد فعالیت مشروطه‌خواهان نبود. در این طایفه، بودند افرادی که در پی مقاصد سیاسی، آرزوهای فرهنگی و اجتماعی فراوانی داشتند و خیال ترقی و تعالی میهن را در ذهن می‌پروراندند و این موضوع بسیار مهم، در میان مشروطه‌خواهان مشهدی نیز شایع بود و علاقه‌مندانی داشت. یکی از برجسته‌ترین مشروطه‌خواهان مشهد که پس از پیروزی انقلاب مشروطه، نقش مهمی در تحولات فرهنگی این شهر ایفا کرد، حاجی عبدالرحیم صراف خراسانی بود؛ یک بازاری معتمد و عنوان دار که رد پای فعالیت‌های فرهنگی و عام‌المنفعه او، بیش از تکاپوهای سیاسی‌اش، در متون و اسناد تاریخی به چشم می‌آید؛ هر چند که اطلاعات ما درباره سن و سال وی، چگونگی زندگی‌اش و حتی درگذشت حاجی، دقیق و کامل نیست و به واقع، در برخی موارد، فعلاً اطلاعاتی در دست نداریم.

■ پیشگام تأسیس مدارس نوین

نام حاجی عبدالرحیم صراف با قدیمی‌ترین نهاد‌های آموزش نوین شهر مشهد ارتباط تنگاتنگی دارد. هنگامی که انجمن مشروطه‌خواه سعادت در این شهر شکل گرفت و اعضای آن برای تحقق اهدافشان، بنای فعالیت‌های فرهنگی را گذاشتند، فکر تأسیس مدارس جدید، نخستین چیزی بود که به ذهنشان رسید و حاجی عبدالرحیم نخستین کسی بود که برای این منظور، با پیش گذاشت و از بدل مال دریغ نکرد. ششم فروردین ۱۲۸۶ زمانی که مردم مشهد از انتخاب وکلای مجلس شورای ملی و اعزام آن‌ها به تهران فارغ شده بودند، هفته‌نامه خورشید در یادداشتی که در شماره ۲ آن به چاپ رسید، از افتتاح نخستین «قرائتخانه» مدرن شهر مشهد خبر داد و همچنین از تأسیس نخستین مدرسه نوین شهر، به همت انجمن خیریه سعادت و تنی چند از بزرگان و معتمدان گرامری ا ارائه کرد. نام این مدرسه را به احترام حاجی عبدالرحیم صراف، بانی و مرد خَیری که فضای آن را برای تحصیل نوباوگان آماده کرده بود، «رحیمیه» گذاشتند. در گزارش یاد شده آمده بود: «[حاجی عبدالرحیم] مرد باهمت مزبور، یک باب منزل ملکی خودشان را در بالاخیابان که شههزار تومان قیمت دارد برای محل مدرسه [رحیمیه] بدون کرایه مجاناً معین فرموده، سیصد تومان خرج آماده کردن بنا کرده و دویست تومان هم برای هزینه خرید اثاثیه مورد نیاز مدرسه اختصاص داده است». به این ترتیب، حاجی عبدالرحیم صراف را باید نخستین خیر مدرسه‌ساز شهر مشهد یا دست‌کم اولین خیر شناخته شده در

این زمینه بدانیم. مدیریت این مدرسه، با نظر انجمن سعادت و البته تأیید حاجی عبدالرحیم، به سیدحسین اردبیلی؛ از مشروطه‌خواهان بنام شهر و بنیان‌گذار روزنامه «خراسان» واگذار شد؛ روزنامه‌ای که حدود یک سال و نیم بعد از تشکیل مدرسه، در دوره استبداد صغیر به صورت زیرزمینی انتشار یافت. البته مدیریت مدرسه رحیمیه بعداً تغییر کرد و طبق گزارش روزنامه خراسان مورخ ۲۲ اردیبهشت ۱۲۸۸، افرادی مانند علیقلی خان مسعود و «امین‌الکتاب»، به جای سیدحسین اردبیلی که بعدها به نمایندگی دور دوم مجلس شورای ملی رسید، مسئولیت اداره مدرسه رحیمیه را برعهده گرفتند. این مدرسه با وجود حوادث پرشماری که پس از تأسیس آن در ایران رخ داد، موجودیت خود را حفظ کرد و توانست هر روز بر شمار دانش‌آموزانش بیفزاید. مدرسه رحیمیه تا زمان تأسیس مدارس دولتی، طی دهه ۱۳۱۰ش برقرار و فعال باقی ماند و برای بانی‌اش باقیات‌الصالحات بود. جمعی از نخبگان مشهدی که بعدها در عرصه‌های مختلف شهرت ملی و جهانی پیدا کردند، شاگردان همین مدرسه بودند؛ افرادی مانند ابوالقاسم حبیب‌اللهی (مشهور به نوید؛ شاعر و استاد ادبیات)، محمدتقی مدرس رضوی (استاد برجسته ادبیات فارسی و عربی و نویسنده آثار فاخر در حوزه تاریخ و ادبیات)، دکتر مهدی آذر (فرزند میرزا علی‌آقای مجتهد، نماینده مشهد در دور اول مجلس شورای ملی و بنیان‌گذار گرایش تخصصی طب داخلی در ایران) و مسیح دانشوری (نخستین متخصص ریه در ایران و بنیان‌گذار مجموعه پزشکی بیمارستان مسیح دانشوری در تهران)، مدرسه

رحیمیه با همت بانی و مدیریت اهل فرهنگ در آن، خیلی زود جای خود را در میان مردم باز کرد. طبق گزارش روزنامه خراسان شماره ۱۳، مورخ ۲۸ اردیبهشت ۱۲۸۸، شاگردان مدرسه تأسیس شده توسط حاجی عبدالرحیم صراف در حمایت از دولت مشروطه و مخالفت با رژیم استبدادی، دست به تظاهرات زدند. این اتفاق، پیش از آغاز استبداد صغیر هم، در اعتراض به انعقاد قرارداد توهین‌آمیز ۱۹۰۷، میان روسیه تزاری و انگلیس برگزار شده بود. یکی از مهم‌ترین اقدام‌های حاجی عبدالرحیم برای تنویر ذهن دانش‌آموزان و آگاه کردن آن‌ها از مسائل روز دنیا، همان‌طور که اشاره کردیم، شرکت در تأسیس نخستین قرائتخانه یا همان تالار مطالعه شهر مشهد و خریداری نشریات مختلف از سراسر دنیا برای استفاده دانش‌آموزان مدرسه رحیمیه بود. این اقدام موجب پرورش نسل جدیدی از نخبگان شد که نسبت به مسائل روز اطلاعات خوبی داشتند.

■ مردی برای تمام فصول

اقدام‌های نخستین خیر مدرسه‌ساز مشهد فقط به این عرصه محدود نمی‌شد؛ خوب است بدانید حاجی عبدالرحیم صراف خراسانی در نخستین دوره انتخابات «انجمن بلدی» یا همان شورای شهر مشهد، رأی نخست را بدست آورد. این انتخابات روز اول اسفند ۱۲۸۶ برگزار شد و حاج عبدالرحیم به‌عنوان محبوب‌ترین نامزد شرکت‌کننده در انتخابات، به این شورا راه یافت و حتی برخی جلسات انجمن بلدی مشهد در منزل او برگزار می‌شد؛ مانند جلسه

چشم‌انداز تاریخی رفتار دولت اتریش با رئیس سازمان انرژی اتمی ایران

تکرار الگوهای کپک‌زده!



بوش رسماً اعلام کرد این پروتکل را رد می‌کند.

در حوزه حقوق بین‌الملل کفیری نیز آمریکا نه تنها به «اساسنامه رم» و «معاهده تأسیس دیوان کفیری بین‌المللی» نیویوست؛ بلکه فعالانه با آن مخالفت کرد. کنگره آمریکا در قطعنامه‌ای تصریح کرد این کشور «عضو اساسنامه رم نیست و صلاحیت دیوان کفیری بین‌المللی را به رسمیت نمی‌شناسد». وزارت خارجه آمریکا در سال ۲۰۲۶ اعلام کرد دلشش «پاسخی در سطح کل دولت» و برای «ناآوان سازی سیستماتیک توانایی دیوان برای فعالیت» طراحی کرده است!

■ به چالش کشیدن دادگاه بین‌المللی!

یکی از گویاترین نمونه‌های برخورد ابزاری با حقوق بین‌الملل، ماجرای پرونده نیکاراگوئه علیه آمریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری است. در سال ۱۹۸۴، نیکاراگوئه از آمریکا به دلیل حمایت از گروه‌های شورشی «کنترا» و مین گذاری در بندرگاه‌هایش به دیوان شکایت کرد. دیوان در سال ۱۹۸۶ حکم داد که آمریکا «با آموزش، تسلیح، تجهیز، تأمین مالی و تأمین نیروهای کنترا تعهد خود را بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی، برای عدم مداخله در امور کشور دیگر نقض کرده است». واکنش آمریکا قابل توجه بود؛ واشنگتن نه تنها در مرحله ماهوی دادرسی شرکت نکرد؛ بلکه صلاحیت اجباری دیوان را نیز بی‌اعتبار خواند؛ به بیان دیگر، وقتی دادگاه جهانی علیه آمریکا رأی داد، این کشور به جای پذیرش حکم، خود سازوکار قضایی را تضعیف کرد. این در حالی است که آمریکا در همان سال‌ها به طور فعال از دیوان برای طرح دعای علیه ایران استفاده می‌کرد؛ رویکردی که برخی تحلیلگران آن را «یکی از بدترین سوابق در دور زدن یا تخریب قطعنامه‌های مهم سازمان ملل متحد» توصیف کرده‌اند.

■ تحریم به مثابه ابزار سلطه

آنچه این رویه را از یک اختلاف موردی به یک الگوی ساختاری تبدیل می‌کند، رابطه آن با نظام اقتصادی جهانی است.

تحریم‌های یک‌جانبه؛ به‌ویژه تحریم‌های فراسرزمینی آمریکا، ابزاری هستند که نه تنها کشور هدف را تحت فشار قرار می‌دهند؛ بلکه شرکت‌ها و کشورهای ثالث را نیز به انتخاب میان تجارت با کشور هدف یا دسترسی به بازار آمریکا مجبور می‌کنند. این سازوکار، در عمل به یک نظام سلطه اقتصادی تبدیل شده که کشورهای مستقل را در چارچوبی از وابستگی نگه می‌دارد. یک گزارش تحلیلی در اکتبر ۲۰۲۵ با عنوان «از کنگو تا کی‌یف: چهره جدید استعمار نوین غرب» نشان داد که چگونه قدرت‌های غربی همچنان به‌عنوان «قدرت‌های استعماری جدید» عمل می‌کنند و برای «غارت منابع» قاره آفریقا صف می‌کشند. «صلح سبز آفریقا» نیز در ژوئیه ۲۰۲۵ نشست آمریکا-آفریقا را «یک مانور استعماری نوین باتمرکز بر بهره‌کشی از منابع» توصیف کرد. این الگو نشان می‌دهد سلطه غرب، حتی پس از پایان استعمار رسمی، در قالب‌های جدید -از طریق نهاد‌های مالی، شرکت‌های چندملیتی و رژیم‌های تحریمی- ادامه یافته است.

■ آیا این بازی می‌تواند ادامه پیدا کند؟

آنچه تصویر امروز را از دهه‌های گذشته متمایز می‌کند، توانایی فزاینده کشورهای مستقل برای عبور از این بحران هاست. تحریم‌های چندلایه آمریکا علیه ایران که از سال ۱۹۷۹ آغاز و طی نزدیک به پنج دهه گذشته تشدید شده، نه تنها به فروپاشی اقتصادی منجر نشده، بلکه به شکل‌گیری سازوکارهای جایگزین انجامیده است. ایران از دهه ۱۹۹۰ سیاست «اقتصاد مقاومتی» را در پیش گرفت؛ سیاستی که بر خودکفایی در بخش‌های کلیدی؛ از تولید بنزین و محصولات پتروشیمی تا دارو و قطعات خودرو متمرکز است. گزارش‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که ایران امروز حدود ۸۵ درصد از محصولات کشاورزی و کالاهای اساسی خود را داخل تولید می‌کند و در زمینه‌هایی مانند تولید بنزین به موفقیت‌های بزرگی دست یافته است. این مقاومت، محدود به اقتصاد نیست. ایران در سال‌های اخیر شبکه‌ای از همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را گسترش داده که خارج از چارچوب‌های تحت سلطه غرب عمل می‌کند. «سازمان همکاری شانگهای»، «بریکس» و توافق‌های دوجانبه با کشورهای آسیایی و آفریقایی، همگی بخشی از این راهبرد هستند. تجربه تاریخی نشان می‌دهد تکیه بر وعده‌های کاغذی قدرت‌هایی که هر لحظه می‌توانند از تعهدات خود خارج شوند، راهبردی شکست‌خورده است. آنچه می‌ماند، توانایی‌های واقعی و ظرفیت‌هایی است که در درون جوامع و در همکاری با شرکای قابل اعتماد ساخته می‌شوند.

■ سخن پایانی

ممانعت از ورود رئیس سازمان انرژی اتمی ایران به کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین، در وهله نخست ممکن است یک اقدام مقطعی تلقی شود؛ اما در چارچوبی گسترده‌تر، این اقدام بخشی از الگویی است که از خروج از برجام تا وتو عضویت در سازمان تجارت جهانی، از خروج از پیمان موشک‌های ضدبالستیک تا رد صلاحیت دیوان کفیری بین‌المللی، از لغو صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری تا خروج از ده‌ها معاهده و سازمان بین‌المللی، طی چند دهه تکرار شده است. این الگو، در نهایت، یک پرسش بنیادین را پیش می‌کشد: اگر قواعد بین‌المللی تنها تا زمانی معتبر باشند که به منافع قدرت‌های موجود هم‌راستا هستند، آن‌گاه «نظم» به چه معناست؟ پاسخ کنش‌ورانه‌های مستقلی مانند ایران به این پرسش بسیار معنادار است: آن‌ها در انتظار عدالت ناشی از فعالیت سازمان‌ها و معاهدات بین‌المللی نمی‌مانند؛ بلکه به دنبال ساختن ظرفیت‌هایی می‌روند که مقاومت آن‌ها را در برابر فشارها افزایش می‌دهد و استقلال را در برابر تحمیل وابستگی ممکن می‌کند. به نظر می‌رسد دورانی که در آن مسدود کردن یک روایت می‌توانست یک کشور را به زانو درآورد، به سر آمده است.

روایت بیش از چهار دهه کوه‌نوردی، فعالیت اجتماعی و ایران‌گردی محمود کوهستانی، کوهنورد پیشکسوت مشهدی

کوه، زندگی من است

عباسعلی سپاهی یونسی | میهمان این هفته من محمود کوهستانی از آن آدم‌هایی است که برایشان کوه فقط یک مقصد برای صعود نیست؛ کوه بخشی از شیوه زندگی است. خودش می‌گوید از هشت‌سالگی و با یک همکلاسی، کوه رفتن را از شیرکوه شیروان آغاز کرد و بعدها مسیر زندگی‌اش با کوه، طبیعت، آثار تاریخی و کمک به دیگران گره خورد. در دیداری با او، از صعودهای انفرادی به شیرباد و دماوند و تجربه‌های پرخطر در کوهستان گرفته تا تشکیل گروه کوه‌نوردی، راه‌اندازی نخستین فروشگاه رسمی و فنی لوازم کوه‌نوردی در شرق کشور و چند سال همراهی با توان‌یابان برایم گفت که شنیدنی بود. خودش می‌گوید هزاران نفر را به عنوان لیدر با خود به کوه برده و در کنار آن، بارها توان‌یابان را به کوه، جنگل، دریا و پناهای تاریخی برده است. با این حال، هنوز برای خودش هدف‌هایی تازه دارد؛ از رکاب زدن در اروپا تا کاشت هزاران درخت در مسیر مشهد تا بندرعباس.



داده بود و همین اعتماد به نفس موجب شد بگویم می‌توانم این کار را انجام بدهم.

یکی از بچه‌های ویلچری، آقای مرتضی عیدی که تبعه افغانستان است، نخستین کوهش را با من آمد که بعدها به دماوند هم رفت. من هم مؤسس گروه کوه‌نوردی معلولین «افق» شدم. تا پیش از کرونا، توان‌یابان را به بسیاری از کوه‌ها بردم. برای آن‌ها یک تپه هم می‌تواند قله باشد. از بین کوهنوردها کمک جمع می‌کردم و خودم هم بیشتر وقتم را گذاشتم و واقعاً از این کار لذت بردم. ۶بار توان‌یابان را به شمال بردم. آدم‌هایی را می‌بردم که جنگل و دریا ندیده بودند. یک آدم سالم می‌تواند خودش راه بیفتد و به شمال برود، اما یک فرد دارای معلولیت جسمی – حرکتی ممکن است به دلیل شرایط جسمی و زندگی، هیچ وقت چنین فرصتی پیدا نکند.

آن‌ها را به طیس، یزد و شیراز بردم؛ تخت جمشید، پاسارگاد و نقش رستم را دیدند. نیشاپورگردی کردیم، کلات نادر رفتیم و خیلی جاهای دیگر. پیش از کرونا برنامه‌ها تعطیل شد، اما من ارتباطم را قطع نکردم.

■عضو شدن شکل کمک

پس از تعطیلی برنامه‌های گروهی، من کمک کردن را کنار نگذاشتم؛ فقط شکلش عوض شد. الان از مصلی و دوستان قدیمی کمک جمع می‌کنم و گاهی کمک‌های غیرنقدی می‌برم. بیشتر به خیریه امید و امام جواد(ع) کمک می‌کنم. برایشان قند شکسته و حبه، مواد شوینده، ایژی لایف، کره بادام‌زمینی و شکلات می‌برم. در تمام این سال‌ها فکر می‌کنم حدود ۶-۵هزار نفر در سراسر ایران با من به عنوان لیدر به کوه آمده‌اند. شیرباد، فلسکه، بینالود و قله‌های مختلف را با افراد زیادی رفته‌ام. مدتی هم لیدر طرح سیمرغ بودم؛ طرحی که ۳۱ قله بلند در ۳۱ استان را شامل می‌شد و آن زمان شاه‌جهان و شیرباد در حوزه کاری من بود.

یکی از بهترین بازخوردهایی که از توان‌یابان گرفتم، حرف یکی از دخترها بود. یک روز به من گفت: «آقای کوهستانی، از وقتی ما را کوه می‌بری، آن قدر اراده‌مان قوی شده که احساس می‌کنیم می‌توانیم بیشتر از شما درآمد داشته باشیم و در جامعه موفق‌تر باشیم». این جمله برای من بزرگ‌ترین هدیه بود.

■آرزوهایم را هدف کرده‌ام

من اتفاقی‌های زیادی در کوه دیده‌ام. سال ۱۳۷۹ در ارتفاعات آل، یک بار به اشتباه هدف گلوله قرار گرفتم. لباس‌های آن زمان مثل امروز رنگارنگ نبود؛ لباس پشمی پوشیده بودیم. کسانی که تیراندازی کردند فکر کرده بودند قاچاقچی هستیم. گلوله به پایم خورد و مرا به بیمارستان بردند و بخیه زدند. گفتند خدا را شکر کنید که شما را نکشتم. از آن طرف، در آبگرم کلات هم یک بار ناخواسته گرفتار قاچاقچی‌ها شدیم. حدود ۲۰ نفر بالای سرمان بودند

کوهنورد قدیمی آشنا شدم و آن‌ها گفتند می‌توانی زشک و شیرباد را هم بروی. آن زمان هنوز جان‌پناه شهید رضوی شیرباد وجود نداشت. کیسه‌خواب برادرم را که از جبهه آورده بود با خودم بردم که حدود ۳کیلو و ۲۰۰گرم وزن داشت. شب در همان حدود جان‌پناه فعلی خوابیدم و صبح زود قله را صعود کردم. بیشتر مسیر تنها بودم و فقط چوپان می‌دیدم و یک بار هم یک کاروان قاچاقچی را دیدم. آن مسیر در آن سال‌ها یکی از راه‌های عبور قاچاقچی‌ها بود. از شیرباد خوشم آمد و هفته بعد دوباره رفتم. آن زمان تجهیزات ما خیلی ساده بود. چادر نداشتیم، چون چادرهای آن دوره سنگین بودند. یک زیرانداز پلاستیکی پهن می‌کردم و بعد کیسه خواب را روی آن می‌گذاشتم. یک باگدیر هم داشتیم که برادرانم از جبهه آورده بودند.

آن زمان حیوانات وحشی هم در دره‌ها بیشتر بودند. یک شب در سال ۱۳۷۱، در دره زشک پلنگ دیدم. صبح که بیدار شدم، راه افتادم سمت قله. آن زمان برف یک سال به سال بعد می‌رسید. ساعت را هم همیشه کنترل می‌کردم. برای خودم زمان‌های مسیرها را اندازه گرفته بودم؛ مثلاً می‌دانستم مسیر چمن سه تا فلسکه در حالت عادی چقدر طول می‌کشد و در زمستان با برف کوبی چقدر زمان می‌برد. اگر زمان خیلی بیشتری می‌شد، می‌فهمیدم احتمالاً مسیر را گم کرده‌ام.

■رؤیای رفتن به دماوند

پس از حدود ۱۷سال کوه‌نوردی، سال ۱۳۷۲ برای نخستین بار تصمیم گرفتم دماوند را صعود کنم. اطلاعات امروز را نداشتیم. مجله «کوه» تازه آمده بود و من از همان مجله درباره قله‌ها می‌خواندم، تنها با اتوبوس بنز ۳۰۲ راهی آمل شدم. حدود ۲۱ ساعت در راه بودم. کوله‌پشتی سنگین داشتم. با سختی خودم را به قرارگاه رینه رساندم که آن زمان در اختیار خانواده فرامرزپور بود. از زنده‌یاد فرامرزپور درباره مسیر پرسیدم و او راه را برایم توضیح داد. در مسیر به گوسفندسرا و مسجد رسیدیم و با زنده‌یاد آقای احسانی، پدربزرگ خانواده احسانی آشنا شدم. او از من پرسید برای چه آمده‌ای؟ گفتم شنیده‌ام قله زیبایی است و می‌خواهم بروم. گفت فصل صعود نیست و باید از پانزدهم مرداد تا بیست‌وپنجم شهر یور بیایی. گفت پسر خوب، تنها آمدی، برگرد و سال آینده تنها نیا. من هم گفتم حالا که آمده‌ام، ۲۰روز می‌مانم.

صبح روز بعد حدود ۳۰ سانتیمتر برف روی زمین نشسته بود. چند روز آنجا ماندم، به کارهای خانواده احسانی کمک کردم، با گوسفندها در منطقه می‌چرخیدم و اطراف را کاملاً گشتم. بعد برگشتم مشهد. سال بعد، یعنی ۱۳۷۳، دوباره در فصل مناسب راه افتادم. این بار هم تنهایی رفتم. چند روز در پارگاه سوم ماندم تا با ارتفاع هماهنگ شوم.

■از یک شکاف یخی تا عشق به کوه

من سال ۱۳۴۸ در شیروان به دنیا آمدم. پدرم درودگر بود و بخش زیادی از درهای چوبی شیروان را ساخته بود.

وقتی حدود هشت یا نه سالم بود، با یکی از همکلاسی‌هایم، مرتضی حیدری، تصمیم گرفتیم ببینیم این آدم‌هایی که بالای کوه می‌روند چه کار می‌کنند. زمستان بود، یک چوب دستمان گرفتیم و راه افتادیم سمت شیرکوه شیروان. همان اول کار افتادیم داخل یک شکاف یخی و برفی و تا گردنمان داخل شکاف رفت. با همان چوب و کمک همدیگر توانستیم بیرون بیاییم. آن زمان شیرکوه خیلی دورتر از محدوده شیروان بود؛ پس از قیرستان ارمنی‌ها و ژاندارمری و یک کمربندی قدیمی، چند کیلومتر باید در بیابان پیاده می‌رفتیم تا به کوه برسیم. برای یک بچه هشت‌ساله کار بزرگی بود، اما نمی‌دانم چه چیزی موجب شد ادامه بدهیم. شاید همان اتفاق ساده شروع داستانی شد که بعد از آن دیگر تمام نشد.

من فکر می‌کنم بسیاری از کوهنوردهای قدیمی هم به همین دلیل جذب طبیعت شدند. گرفتاری‌های زندگی زیاد بود و آدم به طبیعت پناه می‌برد. طبیعت انرژی مثبتی دارد و کم‌کم آدم جذبی می‌شود. بعضی‌ها ادامه می‌دهند و بعضی‌ها نه و من جزو کسانی بودم که ادامه دادم. اول ماهی یک بار با همان دوستم می‌رفتیم. بعد گفتیم حالا که مردم صبحانه می‌برند و آنجا می‌خورند، ما هم صبحانه ببریم. کم‌کم ماهی دو بار شد و کوه از یک تفریح کودکانه تبدیل شد به بخش جدی زندگی من.

وقتی خانواده اوایل دهه ۱۳۶۰ به مشهد مهاجرت کردند، در محله آب و برق ساکن شدیم. آن زمان کوه‌نوردی مثل امروز نبود؛ نه این همه گروه و امکانات وجود داشت و نه تلفن همراه و تجهیزات امروزی. خیلی از مسیرهایی که امروز جاده یا ساختمان شده، آن زمان فقط خاک و باغ و کوه بود. من از آب و برق تا حصار گلستان و وکیل‌آباد پیاده می‌رفتم و این مسیرها برایم بخشی از زندگی روزمره شده بود.

■شیرباد، شب‌های بی‌چادر

سال‌ها بعد، با زنده‌یاد نجفی، وکیل پایه یک دادگستری و تیمسار مهدی حب‌حیدر آشنا شدم. آن‌ها به من گفتند شما که تابستان و زمستان و بهار و پاییز این مسیرها را می‌روی، بیا تا یک دره زیبا را هم نشانت بدهیم. این طور بود که با جاذغرق آشنا شدم. همان تجربه‌ها سبب شد بیشتر به منطقه و مسیرهای اطراف مشهد علاقه‌مند شوم.

یک روز کوه‌نوردی را دیدم که با سرعت از کنارم رد شد. پرسیدم از کجا می‌آیی؟ گفت از قله فلسکه. پرسیدم فلسکه کجاست؟ گفت ته دره است. من آن زمان زیاد ورزش می‌کردم. بدنم آماده بود و تندرو بودم. فلسکه را هم تنهایی رفتم. بعدها با چند

